

معانی نمادین شیر در هنر ایران

تصویر ۱- مدال زرین با نقش شیر،
نیمه‌ی دوم هزاره‌ی اول ق.م.،
از کاتالوگ نمایشگاه گزیده‌ای از آثار
زرین و سیمین، ص ۵۵.

سنت نقش‌پردازی در ارتباط مستقیم با باورهای آیینی و مذهبی هنرمند بوده و به نوعی نهادینه کردن و به شکل کشیدن تصویری است که در ذهن وی ریشه دوانده و در اعماق روح و جان او جای گرفته‌اند. انسان برای ملموس کردن باورهای خویش و گاه ابراز عقایدی که در درون وی شکل گرفته‌اند، سعی در بروز آنها به شکل تصاویری می‌کند، تا بتواند نمایشی از عمق و درون خود را ارائه دهد.

از آنجا که برخی از ادیان عناصری را از یکدیگر وام گرفته و در بسیاری مسائل با یکدیگر مشترک‌اند، می‌توان ریشه‌ی بسیاری از نقوش را به زمانی بسیار دورتر از زمان تصویر شدنشان نسبت داد و تداوم این نقوش در طول تاریخ را نیز به دلیل باقی ماندن اعتقادات گذشته در کنار باورهای جدیدتر دانست.

با اینکه در برخی از برهه‌های زمانی - از جمله دوره‌ی ساسانی - مهرپرستی منع شده است، ولی برخی از مفاهیم و اعتقادات آن باقی مانده‌اند. گاه نیز این باورهای مهری، در آیین‌ها و ادیان دیگر حل شده و کماکان با تغییرات اندکی تا این روزگار ادامه یافته‌اند. برای مثال در تعالیم پیروان آیین اهل حق، علی (ع) مظهر خداست. در اینجا، علی (ع) جایگزین مهر می‌گردد. ایرج بهرامی در این باره می‌نویسد: «همان‌گونه که پس از آمدن اسلام به ایران، اندک شماری از ایرانیان همچون زرتشتیان یا پیروان ادیان

حضور عناصر و نقشمایه‌های نمادین یکی از دلایل اعتلای هنرهای تزئینی در طول تاریخ هنر ایران بوده است؛ بنابراین معرفی و تحلیل این نقوش و یافتن ریشه‌های شکل‌گیری و اطلاع از چگونگی و زمان آن می‌تواند گامی در جهت زنده کردن دوباره‌ی این شیوه از نقش‌پردازی باشد.

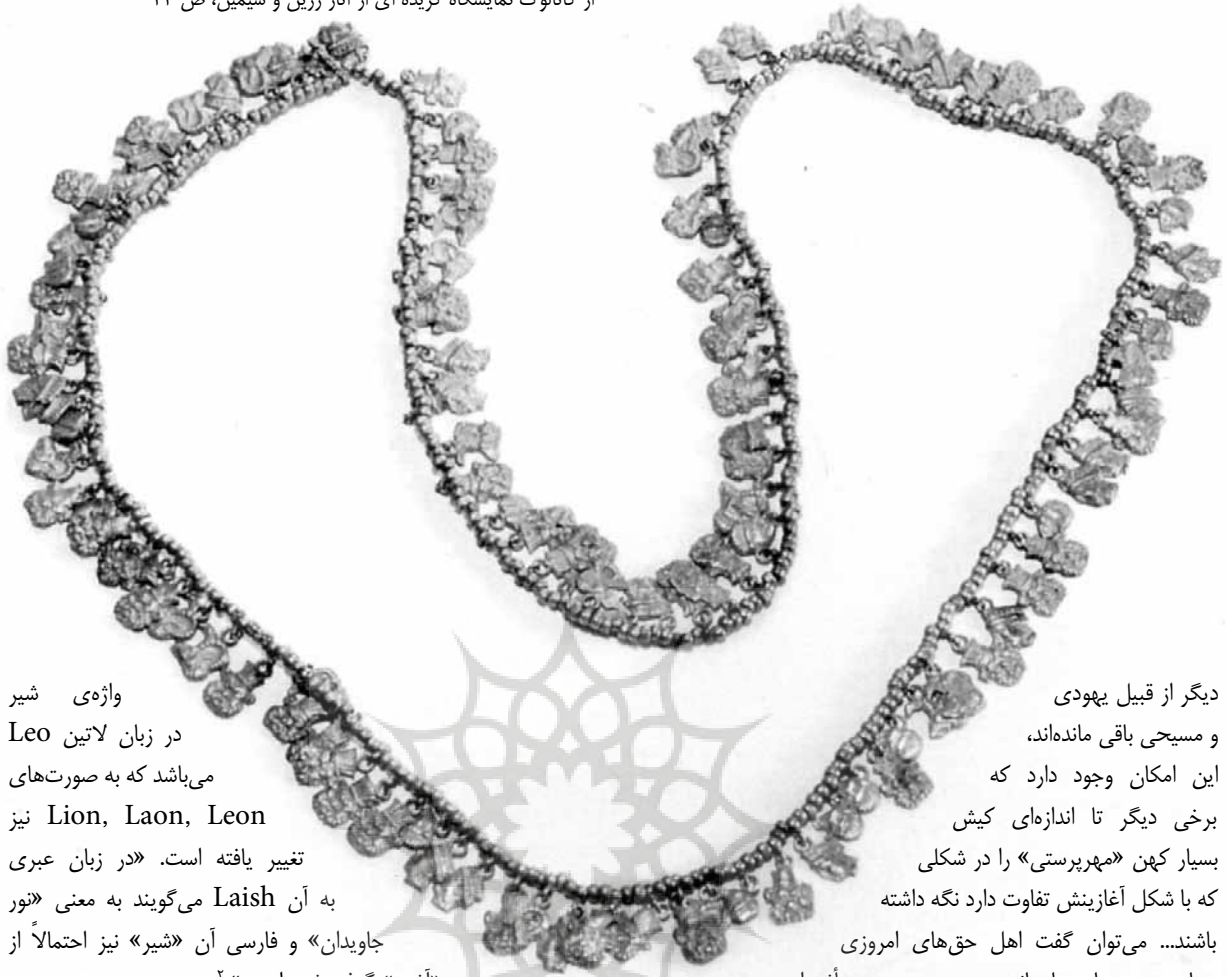
از آنجا که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سنت نقش‌پردازی ایرانی، استفاده از عناصر نمادین بوده، بررسی این نقوش می‌تواند امکانات جدیدی را برای شناخت هنر ایران و ارتباط آن با موضوعات مذهبی، اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و ... فراهم سازد.

مقاله‌ی حاضر با انتخاب نماد شیر - با تکیه بر نقش سر شیر - به عنوان یکی از مهم‌ترین نقوش نمادینی که همواره در طول تاریخ هنر ایران حضور داشته، به چگونگی شکل‌گیری و تداوم آن در طی دوران مختلف پرداخته و معانی متفاوتی را که بعضاً از دوران کهن تا به امروز را دربرمی‌گیرد مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی:

نقش‌پردازی نمادین، مهرپرستی، هنر ایران، هنر اسلامی، شیر.

تصویر ۳- گردنبند زرین با آویزهای به شکل سر حیوان و انسان، دوره هخامنشی، از کاتالوگ نمایشگاه گزیده ای از آثار زرین و سیمین، ص ۴۴



واژه‌ی شیر

در زبان لاتین Leo

می‌باشد که به صورت‌های

Lion, Laon, Leon نیز

تغییر یافته است. «در زبان عبری

به آن Laish می‌گویند به معنی «نور

جاویدان» و فارسی آن «شیر» نیز احتمالاً از

«آشور» گرفته شده است.^۲

شیر به عنوان پادشاه درندگان و حیوانی پر قدرت از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده و اغلب نمادی از شوکت و جلال، سلطنت، قدرت و عظمت پادشاهان شناخته شده است: «شیر، این حیوان پر قدرت و نجیب از دیرباز

هم‌آورد شاهان بوده است و در

نقوش تخت جمشید، ظروف

نقره ساسانی، قالی‌های

شکارگاه قرن دهم هـ/

شانزدهم م. همه جا شیر را

در جدال با دلاوران می‌بینیم.

شیر، مانند یوز و ببر و پلنگ

که همیشه در کنار پادشاهان

بوده‌اند، به صورت یک نماد

سلطنتی درآمد و دست کم

نشانه‌ای شد از شجاعت و

قدرت.^۳ از آنجا که نقش شیر

علاوه بر نشان سلطنتی^۴ در هنر آریایی نیز نمود یافت، به عنوان مظهر آریایی نیز شناخته شده است. «نقش شیر مظهر و نشانه آریایی‌های کهن و بالاخص شاخص و سمبول ایران و ایرانی بوده و موضوع شیر بستگی

دیگر از قبیل یهودی

و مسیحی باقی مانده‌اند،

این امکان وجود دارد که

برخی دیگر تا اندازه‌ای کیش

بسیار کهن «مهرپرستی» را در شکلی

که با شکل آغازینش تفاوت دارد نگه داشته

باشند... می‌توان گفت اهل حق‌های امروزی

همان مهری‌های باستانی هستند، منتهی متأثر از

شرایط زمانی و مکانی ... هر دو آیین دو شاخه از یک درخت در ریشه

مشترک می‌باشند.^۱

از این رو می‌توان گفت، ریشه‌ی نقوش نمادین گاه به گذشته‌های

بسیار دور و آیین‌هایی چون

مهرپرستی و هم‌چنین

اعتقادات مزدیسنی و

زرتشتی برمی‌گردد که

تا دوران اسلام نیز ادامه

یافته و به نوعی در آن حل

شده‌اند. گاهی همین باورها

کاملاً رنگ اسلامی به خود

گرفته و در عین ریشه‌دار

بودن در ادیان قدیم ایران،

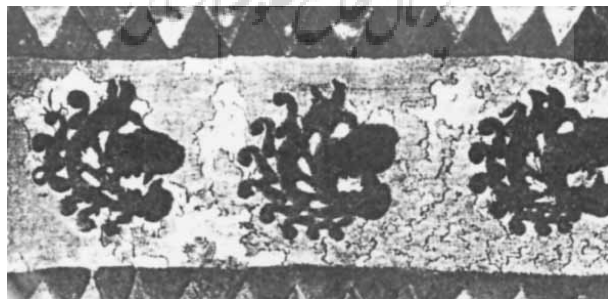
با اعتقادات اسلامی همگون

شدند و گاه نیز در ارتباط با

باورهایی هستند که در دوران اسلامی شکل گرفته‌اند.

از آنجا که سر شیر جزء لاینفکی از کل حیوان است؛ بنابراین، ابتدا لازم

است راجع به شیر و نمادهای آن صحبت شود.



تصویر ۲- بخشی از یک فرش با نقش سر شیر، دوره هخامنشی پازیریک، از کتاب

p.362, perse

و ارتباطی خاص با معتقدات آنها داشته است که ملل آن روزی جهان هم آن را به خوبی می‌شناخته‌اند.^۵

در دوره‌ی هخامنشی، مبارزه‌ی شاه با شیر، به مثابه قدرت شاهی در نقش برجسته‌ها و مهرها حک شده، در زمان ساسانیان، شکار شیر و مبارزه با آن به عنوان یکی از مظاهر قدرت و زورمندی پادشاهان محسوب می‌شده است.

در اشیاء زرین و سیمین به دست آمده از کلاردشت، لرستان و زیویه، بارها نقش شیر مشاهده می‌شود که گاه به صورت حمله‌ی شیر به گاو مجسم شده است، که

بعضاً تأکید بیشتر بر سر شیر است و در تعدادی نیز فقط از سر شیر استفاده شده است. در نقشی از یک پلاک به دست آمده از زیویه، نقش دو شیر بالدار روبه‌روی هم مشاهده شده که سری واحد دارند یا به عبارتی شیری که نیروی مضاعف را القا می‌کند. (تصویر ۱) این نقش در دوره‌ی هخامنشی نیز تکرار و تأکید بر سر شیر ادامه یافته است.

شیر نشسته‌ی بالدار، شیر نگهبان، شیر بالدار با سر انسان، حمله‌ی شیر به گاو، مبارزه‌ی شاه با شیر، ردیف شیران پشت سر هم و همین‌طور سر ستون‌های شیری، نمونه‌های نقش‌پردازی این موجود در دوره‌ی هخامنشی است که هر یک می‌تواند نمادی خاص خود داشته باشند.^۶ در دوره‌ی اشکانی و ساسانی نیز همچنان نماد شیر حفظ می‌گردد. قطعه پارچه‌ای از اواخر دوره‌ی ساسانی از آسیای مرکزی به دست آمده که احتمالاً مربوط به ایران است. (تصویر ۴) در این پارچه که به شکل دایره است نقش سر شیری مشاهده می‌شود که به صورت انتزاعی از تصویر دو

پرنده (یا موجود بالدار) روبروی هم تشکیل شده و به نوبه‌ی خود بسیار جالب است.

شیر، یکی از نمادهای مهری است که از جهات مختلف مرتبط با مهر و آیین میترائیسم شده و به عنوان نماد میترا، خورشید، آتش، ابدیت و به عنوان نگهبان در این آیین شناخته شده است. در درجه‌ی نخست به مثابه نماد میترا در نظر گرفته شده است. قائم مقامی متذکر می‌شود که: «در اجتماعات آریایی، شیرمظهر ایزد مهر بوده و چون مهر خود سمبول آریاییان کهن بوده است ملل آن روزی جهان هم شیر را شاخص و نشان آریایی‌ها می‌دانسته‌اند که

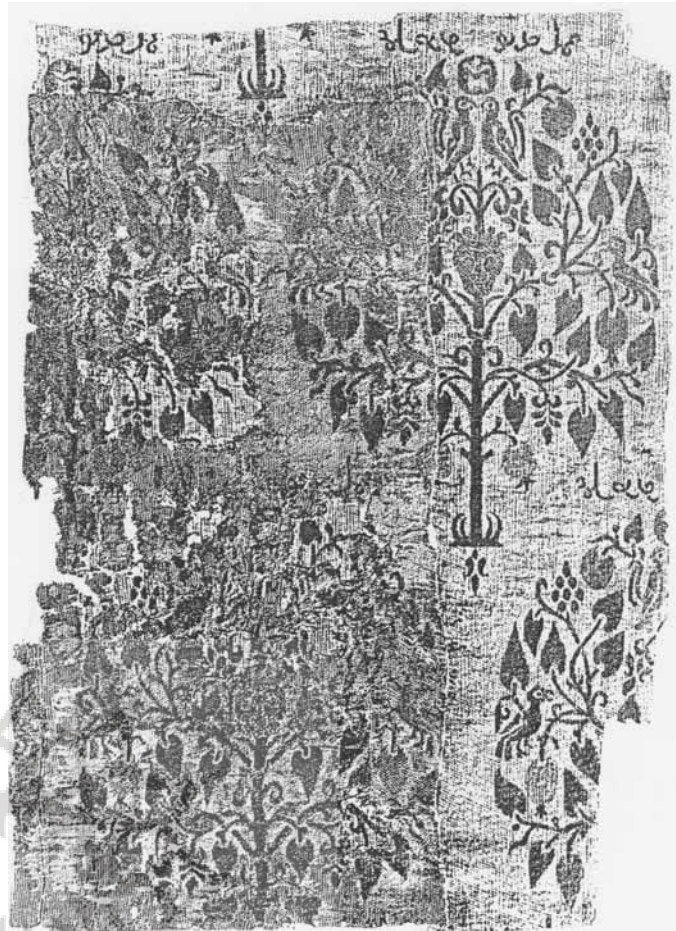


تصویر ۴- قطعه‌ای پارچه با نقش سر شیر و دو پرنده دوره‌ی ساسانی، آسیای مرکزی (احتمالاً ایران)

بعدها علامت پادشاهان ایران شد.^۷ این اعتقاد از تصویر نبرد شیر با گاو در تخت جمشید قوت گرفته است. «در اینجا احتمالاً شیر، مظهر مهر و روشنایی و گاو مظهر ماه است، و دریده شدن گاو به دست شیر در تخت جمشید برابر دریده شدن گاو به دست مهر در دین مهرپرستی است.»^۸ جهانگیر قائم مقامی با مقایسه‌ی این دو صحنه با یکدیگر معتقد است که آنها از یک منبع و داستان سرچشمه و الهام گرفته‌اند، که به عللی تصویر شیر به جای صورت مهر گزارده شده است.^۹ بنا بر این در حجاری تخت جمشید که شیر، گاو را می‌کشد در واقع به منزله‌ی فائق آمدن خورشید یا مهر است. او را می‌کشد تا گیاهان به وجود بیایند. پس در اینجا شیر، هم به عنوان نماد مهر ظاهر می‌شود و هم نمادی از خورشید. یاحقی در جایی این‌طور خاطر نشان ساخته است: «شیر که مظهر قدرت و توان و نیرو است با اسب، هر دو مظهر و نماینده خورشید بودند.»^{۱۰} بنا بر این شیر به عنوان نماد خورشید نیز مطرح می‌گردد.^{۱۱}

تصویر ۵- مجسمه‌ی شیر سنگی در قبرستان دشت روم نزدیک یاسوج، دوران اسلامی، از کتاب قالیچه‌های شیری فارس، ص ۲۵.





تصویر عر پارچه‌ی ابریشمی، با نقش درخت مقدس و سر شیر و انار و انگور و کلاغ، قرن ۱۲ یا ۱۳ م. A Survey of Persian Art p. 983, vol. 11. کتاب ۷/۶ یا ۷/۷.

پوشیده Cryphius، سرباز، شیر Leo پارسی Perses، پیک خورشید Heliodromus و پدر Pater بر سالک و رهرو نهاده می‌شد. منصب شیر، به عنوان چهارمین مقام یا مرحله بوده است. «یکی از وظایف شیر مردان در مهرابه، تیمار و مواظبت از آتشدان‌ها بوده تا آتش مقدس پیوسته خوراک داشته و خوب بسوزد.»^{۱۴}

در آثار هنری مهری باقی مانده نقش شیر فراوان است که گاه در حال خدمتگزاری هستند و گاه در حال اهدای هدایا به حضور میترا و در هر حال به میترا بسیار نزدیکند. به قول تناولی، شیر «نگهبان میترا در مذهب میتریایی است و مقام والایی دارد.»^{۱۵} از اینجا می‌توان به این نتیجه رسید که نماد شیر و خورشید که در طی سال‌ها به طرق مختلف باقی مانده ترکیبی از نماد مهر یا میترا (= خورشید) و نگهبان آن (= شیر) بوده است؛ این باور در مورد شیر همچنان حفظ شده، به طوری که از تجسم آن به عنوان محافظ دروازه‌ها و همچنین سر حفاظ دور کاخ‌ها و عمارات و نوک کشتی‌ها و ساده‌تر از همه در کولون خانه‌ها نقش بسته است. جالب اینجاست که در اکثر موارد تنها از شیر، که نشانه‌ای بارزتر از شجاعت، درندگی و دلاوری بوده، به عنوان شیر محافظ استفاده شده است.

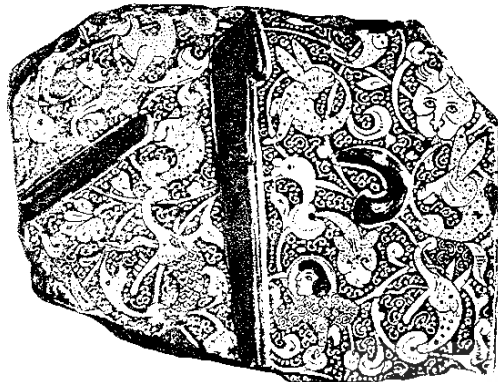
در جایی دیگر از آیین میترا، به موجودی با سر شیر و ماری پیچیده به دور آن یا بدن انسان برمی‌خوریم، که به کروئوس شیر سر معروف است که نشانگر خدای زمان (زروان)^{۱۶} و نشانه‌ی مهردینانی بوده که به مرحله‌ی شیری نائل شده بودند.

کروئوس شیر سر نماد و تجسم رازآمیز ابدیت و زمان بی‌کران و یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های هنر میتریایی است. از اینجا بود که سر شیر در این موجود مرکب تبدیل به نماد شر و هیولایی ترسناک شد؛ از این رو «کوشیدند تا می‌توانند آن آثار و ریخت هراس‌انگیز را تعدیل بخشند. به این ترتیب بود که به تدریج هیولای شیر سر در شمایل و ریخت انسانی ظاهر شد. در پایان سر شیر را نیز برداشتند و آن را با پاها و جایگزینی سر شیر به روی سینه نمایش دادند.»^{۱۷} در عین حال، در همین زمان از نماد شیر به طرق دیگر نیز استفاده می‌شده است و در جاهای مختلف معانی متفاوتی داشته است. برای نمونه در جایی آمده که «در برخی از مهرابه‌ها ... سر شیر و سر سگ اغلب به گونه‌ی سنگ نگاره رؤیت می‌شود. از این رو به احتمال نمادی از نوزایی است.»^{۱۸}

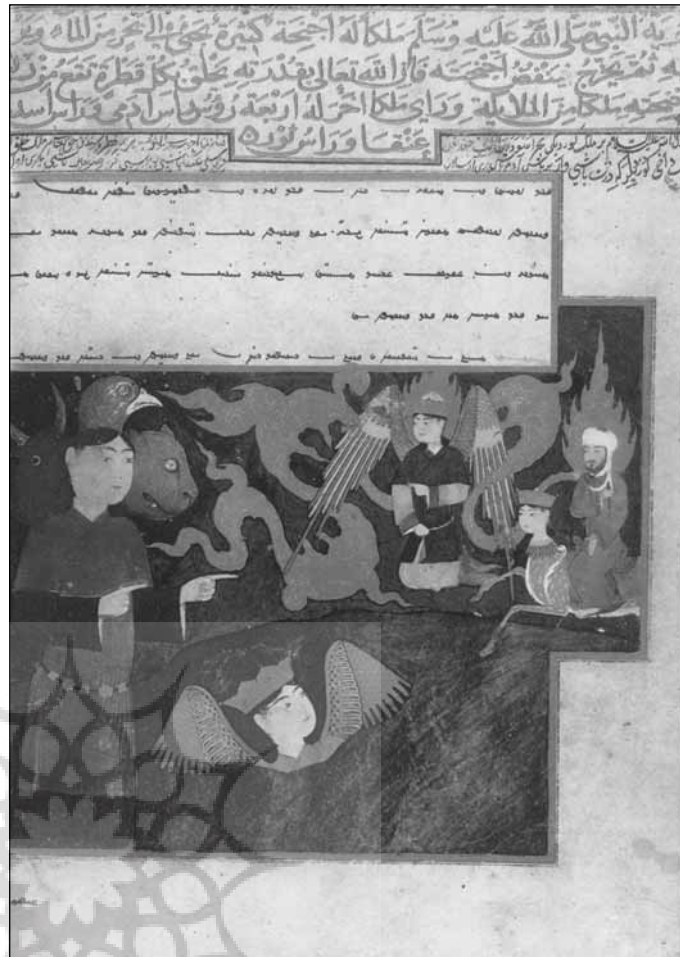
در اینجا مشاهده می‌شود که تعابیر بسیار متفاوتی از این نقش وجود دارد که طبیعی است برخی از آنها به بیراهه کشیده شده باشد. مسأله‌ی دیگری که مطرح می‌شود وجود آثاری است از نقوش شیر در حال حمله به حیوانی دیگر که اغلب در سنگ گورها حک یا مجسمه‌های شیری است که در گورستان‌ها قرار داده شده است. (تصویر ۵) نماد شیر را در اینجا می‌توان به گونه‌های مختلف ارزیابی کرد: ۱- مظهر مرگ و نیستی ۲- نماد شجاعت و دلاوری ۳- نمادی از ابدیت و جاودانگی ۴- نشانه محافظ و نگهبان و ۵- به عنوان علامتی مهری بر مزار مهرپرستانی که به مرحله‌ی

علاوه بر این به صورت نشانه‌ی آتش نیز پنداشته شده است. البته درباره‌ی آتش و نقش آن در آیین میترایسم آگاهی‌های اندکی داریم. و رمازرن این مسأله را این گونه تفسیر می‌کند: «غرض از آتش در دین میترا کنایه زدن به آتش سوزی جهان در روز آخرت است که در آن چشمه‌ای آتشین جهان را به سوختن خواهد کشانید و نادرستان در آن آتش از میان خواهند رفت.»^{۱۲} ولی خیلی ساده‌تر می‌توان گفت که شیر نماد آتش است و آتش نیز نماد خورشید و این مسأله که خورشید پاک کننده‌ی همه چیز است. همان است که آتش همه را در پایان جهان، پاک می‌کند و ناپاکان در آتش می‌سوزند اما نیکان و پارسایان برجا می‌مانند. همچنین مارتین و رمازرن درباره‌ی شیر با معنای نمادین آتش که از آیین مهرپرستی شکل گرفته، این توجیه را می‌آورد که: «دو عنصر آب و آتش با یکدیگر مبارزه‌ای مستمر و آشتی‌ناپذیر دارند. به این دلیل سالکانی که در مراحل طی طریق به مقام شیری رسیده‌اند (شیر: سمبول آتش)، برای شست و شوی بدن خود از آب استفاده نمی‌کنند و به جای آن غسل به کار می‌برند.»^{۱۳}

در آیین مهر، از ورود به جرگه مهردینان تا مراسم تشریف و اهلیت، هفت مرحله است. در این هفت مرحله، به ترتیب نام‌های کلاغ Corax،



تصویر ۹- کاشی لعابدار با نقش واق، قرن ۱۳ م. ۷/هـ از کتاب
A Survey of Persian p702, vol. 9Art.



تصویر ۷- برگي از يك نسخه‌ي معراج نامه، قرن ۱۵ م. ۹/هـ، از کتاب
The Miraculous Journey of Mahomet p30.

درباره‌ی میتراایسم کرده در بخشی از کتاب خود درباره‌ی شیر و اهمیت آن سخن گفته، و هم‌چنین فهرستی از معابد مختلفی که شیر به عنوان مراقب در آن کار گذاشته می‌شده، ارائه داده است.^{۲۱} نکته‌ی بعدی، ارتباط نماد شیر با علائم نجومی است و این امر از آنجا ناشی می‌شود که تصویر شیر گاهی به صورت علامت نجومی و با علائم خاص این علم تصویر شده و نشان دهنده‌ی ارتباط تصویر آن با برج اسد (ماه مرداد) بوده است و این ارتباط به ویژه در نقشمایه‌ی شیر و خورشید در کنار یکدیگر، نمود یافته است. در این باره «حدس زده‌اند که شاید یک پادشاه طالعش برج اسد بوده، و او صورت طالع خود را بر سکه‌ها نگاشته است. اما حقیقت این است که میان برج اسد و آفتاب رابطه‌ای علمی و نجومی برقرار است. بدین ترتیب که در عرف منجمان برج اسد، خانه خورشید است. زیرا هر کدام از بروج دوازده‌گانه یک یا دو خانه مخصوص داشته است.»^{۲۲} از این رو گذشته از نقش شیر و خورشید که از نظر نجومی با یکدیگر مرتبط‌اند، نقش شیر را نیز به تنهایی می‌توان نمایانگر برج اسد دانست.

در دوره‌ی اسلامی، نقش شیر به عنوان مظهر قدرت و شجاعت باقی ماند و با هوشمندی خاص ایرانیان عملکردی جدید پیدا کرد و به زودی خود مبدل به یکی از عوامل سنتی دین جدید شد. به این صورت که حضرت علی

شیری رسیده بودند. در نقوشی که شیر جنبه‌ی تهاجمی داشته و جانورانی دیگر را می‌بلعد، نمایانگر سلطه و قدرت مرگ است بر موجودات زنده و مفهوم نمادین مرگ را بیان می‌کند و فایق آمدن بر شیر یعنی زندگی مجدد؛ از طرف دیگر، می‌توان آن را ارتباط داد با زروان، از آن جهت که «شیر قدرت فایقه‌ای در امر کشتن دارد و سر زروان خدای زمان را نیز به صورت شیر می‌کشیدند، که نمادی از قدرت مرگ‌آور زمان بود.»^{۱۹} و در همین رابطه شاید بتوان شیر را در ارتباط با خدای زمان (زروان) نماد جاودانگی و زمان بی‌پایان دانست. درباره‌ی نماد دلآوری و شهامت در همین حد می‌توان بسنده کرد که «شیرهای سنگی را روی قبر جوانانی که با شهامت و شجاعت کشته می‌شدند کار می‌گذاشتند.»^{۲۰} و اما گذاشتن شیرهای سنگی روی قبرها با توجه به قیودات مذهبی اسلام در منع استفاده از مجسمه، این گمان را برمی‌انگیزاند که این سنت مربوط به گذشته‌های بسیار دور بوده و به عنوان نگهبان و محافظ همان‌طور که در آیین میتراایسم اشاره شد - گماشته شده باشد. چنانچه در کاوش‌های باستان‌شناسی همدان شیری سنگی به دست آمده که «به نظر می‌رسد برای حفاظت معبد آناهیته [آناهیتا] (الهه آب و باروری) کار گذاشته شده باشد. و رماژرن دانشمند آلمانی که تحقیقاتی وسیع



تصویر ۱۰- تذهیب با نقش واق، قرن ۱۰م/۱۰هـ از کتاب
Persian Miniatures pXVIII



تصویر ۸- بخشی از یک قالی، با نقش واق واق، اوایل قرن ۱۶ م/۱۰هـ کاشان، از کتاب
A survey of Persian p1172, Art. Vol.12

و واقعیت جسمانی آن و تنها، تجسم یک منبع قدرت ماندگار و نشان دادن یک نماد است. (تصویر ۷) به همین دلیل نمونه‌های باقی‌مانده از این دوران، اکثراً بدون جزئیات و صرفاً به صورت حیوانات گربه‌سان ارائه شده‌اند.

نقش شیر را در دوران اسلامی، می‌توان در پارچه‌های آل بویه - در ادامه‌ی سبک پارچه‌های ساسانی - دنبال کرد. در این پارچه‌ها معمولاً دو شیر به عنوان نگهبان و محافظ در دو طرف درخت زندگی طراحی شده‌اند که به صورت‌های مختلف نشسته، ایستاده، نیم رخ و تمام رخ و گاهی بالدار تصویر شده‌اند. از دوره‌ی سلجوقی نیز آثاری با نقش شیر شبیه به دوره‌های قبل به دست آمده ولی جالب‌تر از همه، قطعه پارچه‌ای است با نقش درختی شامل میوه‌های انگور و انار که در مرکز آن سر شیری قرار گرفته و بالای آن دو پرنده (احتمالاً کلاغ) ترسیم شده است. (تصویر ۶) می‌توان ادعا کرد که این نقش، نمونه بارز نمادهای مهری است که در یک جا جمع شده‌اند و مهر تأکیدی است بر استمرار باورهای آیینی گذشته تا این دوران.

از دیگر نمادهای شیر در دین اسلام می‌توان به فرشته‌ی چهار سر اشاره کرد شامل سر انسان، گاو، عقاب و شیر. تصویری از این فرشته در نگاره‌ای از یک نسخه‌ی معراج‌نامه، بدست آمده است. (تصویر ۷) در توضیح این تصویر اشاره شده که «با توجه به اعتقادات اسلامی، حاملان اریکه الهی به چهار صورت انسان (شفاعت کننده نوع بشر)، گاو (شفاعت

(ع) به شیر خدا ملقب شده^{۳۳} و شیر به عنوان نمادی از شجاعت و شهامت او تبدیل گشت و در ادبیات این دوران نیز نمود یافت: شیر خدا شاه ولایت علی

صیقلی شرک خفی و جلی (جامی)

از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزه از دغل (مولوی)

تناولی در این باره معتقد است که: «نسبت دادن روایاتی از برخورد‌های آن حضرت و شیر، بهترین و مناسب‌ترین موقعیت را برای کار گذاشتن شیر و زنده کردن این سنت، به وجود آورد. در دشت ارژن بقعه‌ی کوچکی هست که آن را قدمگاه حضرت علی(ع) می‌دانند و به آن شاه سلمان می‌گویند و با اینکه حضرت علی(ع) هرگز به ایران نیامده‌اند به خاطر ارادت خاصی که مردم ایران به ایشان دارند داستان گرفتار شدن سلمان فارسی به شیر و هویدا شدن حضرت علی(ع) و نجات او را در همین محل می‌دانند.»^{۳۴}

بنابراین باقی ماندن نقش شیر به ویژه مجسمه‌های آن را - علی‌رغم منع مجسمه‌سازی در دین اسلام می‌توان بازتاب این عقیده و به عنوان مظهری از شجاعت و مردانگی حضرت علی(ع)^{۳۵} و با دیدی فراختر، تلاوم باورهای آیینی ادیان گذشته دانست. شاید بتوان گفت، یکی از تأثیرات اعتقادات اسلامی در نمود شیر، بی‌توجهی به شکل ظاهری و جزئیات نقش



تصویر ۱۲ - گلیم ابریشمی با نقش سر شیر، نیمه‌ی دوم قرن ۱۶ م. / ۱۰هـ کاشان، از کتاب p85 Carpets and Textiles



تصویر ۱۱ - برگی از مرقع گلشن با تذهیب سر شیر، بهزاد ۱۴۸۶ م. ۸۹۲/هـ از کتاب Persian Miniatures



تصویر ۱۳ - بخشی از یک قالی، قرن ۱۶ م. / ۱۰هـ، از کتاب ۱۲، vol. ۱۲، p۱۲۱۲ A Survey of Persian Art.

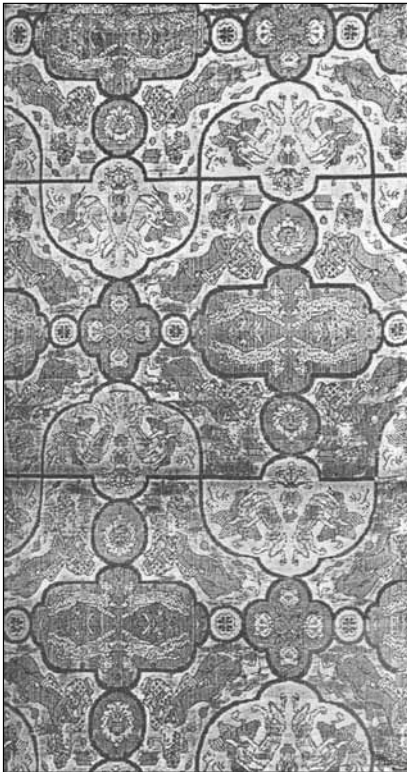
پیچک جانوری منشأ سلجوقی دارد و در ظروف مفرغی سده‌های ششم و هفتم ساخت خراسان - عمدتاً در شهر هرات - یافتنی است.^{۲۹} کم کم سر شیر به تنهایی به نمودی از نقش واق مبدل می‌گردد و به خصوص در تعداد زیادی از فرش‌های دوره‌ی صفوی (تصویر ۱۲)، چه در حاشیه و چه در متن قالی تکرار می‌گردد. این نقش‌مایه تا حد زیادی در هنرهای مختلف دوره‌ی صفوی ظاهر می‌شود. در قطعه فرشی از دوره صفوی نقشی از تکرار سر شیر و سر گاو به طور متناوب موجود است که به نظر می‌آید علاوه بر اینکه در نقش‌پردازی آن از نقش واق، الهام گرفته شده، با نماد خورشید و ماه دوران باستان نیز ارتباط داشته باشد. (تصویر ۱۳)

نقشی نیز از یک پارچه‌ی دوران صفوی به دست آمده که سر شیر در درون یک تزیین برگی - شبیه به یال شیر - تکرار شده (تصویر ۱۴)، که به دلیل شباهت به شعله‌های آتش یا اشعه‌های خورشید، می‌تواند سمبل

کننده حیوانات باری، عقاب (شفاعت کننده پرندگان) و شیر (شفاعت کننده حیوانات وحشی) نشان داده شده‌اند.^{۳۰} هم‌چنین در همین جا این احتمال داده شده که این چهارسر به نشانه‌ی چهار برج اصلی منطقه البروج تصور شده باشند.^{۳۱} از این رو، گاه نیز باورهای اسلامی و اعتقادات نجومی به مصاف یکدیگر رفته‌اند.

نوع دیگر ترسیم سر شیر در نقشی مرکب از اسلیمی‌های پیچ در پیچ و نقش حیوانات و گاهی انسان است. سر شیر در این نقش، که به نقش واق (vaq)^{۳۲} معروف است، در کنار سر حیوانات دیگر نشان داده شده (تصویر ۸) که شاید تأکید خاصی بر روی آن نشده باشد.

شروع استفاده از نقش واق احتمالاً به قرن دوازدهم م. / ششم هـ برمی‌گردد. (تصویر ۹) که از آن تاریخ به طور مستمر تا قرن هفدهم م. / یازدهم هـ - ادامه یافته و در کاشی‌کاری، مینیاتور، تذهیب (تصاویر ۱۰ و ۱۱) و حاشیه خطوط و مهم‌تر از همه در بافته‌ها نقش می‌بندد. «این نقش



تصویر ۱۵- پارچه‌ی ابریشمی، عمل غیاث، ۲۰- ۱۶۱۰م. / ۱۰۲۰-۳۰ه. یزد، از کتاب A Survey of Persian Art, P1040, vol, 11

تصویر ۱۴- پارچه‌ی ابریشمی با نقش سرشیره، قرن ۱۷م. / ۱۱ه. از گنجینه‌ی موزه‌ی ملی ایران، تهران.



به طوری که، در کتاب خواص الحیوان دمیری آمده که اگر کسی در خواب ببیند که «سر شیر می‌خورد پادشاه می‌شود.» (دمیری، ک. (۱۳۷۵ق.): ص ۸) ۵- قائم مقامی، ج. (۱۳۴۵): ص ۱۰۶.

۶- در این دوره هم چنین قطعه پارچه‌ای از یازیریک با تکرار نقش سرشیر (تصویر ۲) و همینطور گردنبندی با نقش سرشیر در کنار سر حیوانات دیگر (تصویر ۳) به دست آمده که می‌تواند معانی مختلفی همچون مظهر میترا، آتش، خورشید، زروان و همینطور سمبل قدرت، شجاعت، سلطنت و آریایی بودن را تلقی کند. در واقع، به دلیل تعدد معانی نمادین شیر، نمی‌توان به طور قطع، تصاویر بازنمایی شده از آن را دقیقاً به نمادی خاص مربوط دانست.

۷- همان، ص ۱۱۶.

۸- بهار، م. (۱۳۷۶): ص ۱۸۰.

۹- قائم مقامی، ج. (۱۳۴۵): ص ۱۱۰.

۱۰- یا حقی، م. ج. (۱۳۶۹): ص ۲۸۰.

۱۱- همچنین نگاه کنید به: هینز، ج. ر. (۱۳۸۳): ص ۲۳۵ و بهار، م. (۱۳۷۶):

صص ۱۸۰ و ۲۷۶ و همینطور

Bruce - Mitford, M (۱۹۹۶): p۶۲ و Older, s. (۱۹۸۶): P۸۱

Beryl, R. (۱۹۷۳): p۱۱۸

۱۲- قائم مقامی، ج. (۱۳۴۵): ص ۱۱۱، به نقل از ورمازرن

۱۳- ورمازرن، م. (۱۳۸۳): ص ۷۵.

۱۴- رضی، ه. (۱۳۸۱): ص ۶۱۵.

۱۵- تناولی، پ. (۲۵۳۷): ص ۲۳.

۱۶- Zurvan

۱۷- کومن، ف. و. (۱۳۸۳): ص ۲۴۲.

۱۸- رضی، ه. (۱۳۸۱): ص ۵۴۰.

۱۹- بهار، م. (۱۳۷۶): ص ۱۹۸.

۲۰- تناولی، پ. (۲۵۳۷): ص ۲۶.

خورشید نیز تلقی شود؛ در حالی که، می‌توان آن را به مثابه‌ی طرح خلاصه و چکیده از نقش واق انگاشت که به یک نقشمایه‌ی حیوانی تقلیل یافته است.

در هر حال، نقش‌های باقی‌مانده از سر شیر - که در دوره‌ی صفوی بسیار فزونی یافته‌اند - را نمی‌توان دقیقاً و به طور مشخصاً به نمادی خاص مربوط دانست، بلکه به نظر می‌آید در جاهای مختلف معانی متفاوتی را ارائه داده و نمادهای گوناگونی را شکل داده باشند،^{۳۰} که از نمادهای مهری گرفته تا نمادهای بعد از اسلام و نقش واق را شامل می‌شود. ولی نباید استمرار حضور این نقشمایه از دوران پیش از تاریخ تا دوران جدید را تصادفی و بی‌ارتباط به هم و صرفاً تداوم حافظه‌ی بصری هنرمندان دانست. به این ترتیب که معانی نمادین موجود از باورها و آیین‌های گذشتگان اگرچه ممکن است به صورت اولیه‌ی خود باقی نمانده باشند ولی حضور دوباره‌ی آنها در سال‌های بعد به جهت ریشه‌ی عمیق این اعتقادات بوده است که در دوره‌های مختلف و حتی با وجود تغییر یافتن شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی باقی مانده‌اند. البته نمی‌توان گفت تمام این نقوش نیز حاصل باورهای قدیمی و مذاهب گذشته بوده و طبیعی است که شرایط جامعه‌ی جدید و صرف حضور نقوش تزئینی نیز می‌تواند عامل شکل‌گیری تعدادی از این نقشمایه‌ها باشد.

پانویست‌ها:

۱- بهرامی، ۱. (۱۳۷۸): صص ۵۵ و ۵۶.

2- Bayley, H. (1974): p356

۳- اتینگهاوزن، ر. (۲۵۳۷): ص ۱۴.

۴- نقش شیر به عنوان نمادی از سلطنت تا دوران پس از اسلام نیز باقی ماند؛

don, 1998.

- <http://www.Textilesart.com>.

۲۱- همان، ص ۲۶.

۲۲- یاحقی، م. ج. (۱۳۶۹): ص ۲۸۱.

۲۳- نگاه کنید به: Bakhtiar, L. (۱۹۷۶): p۷۵.

۲۴- تناولی، پ. (۲۵۳۷): ص ۲۶.

۲۵- البته لازم به یادآوری است که تجسم شیر به صورت‌های مختلف، قبل از دوره‌ی صفوی (که مذهب تشیع در آن زمان فراگیر شد) وجود داشته و بنابراین به نظر نگارنده، این شبهه وجود دارد که قبل از این دوره - به جز موارد اندکی همچون آل بویه - دین اسلام اغلب به شکل مذهب تسنن در بین مردم رواج داشته و در نتیجه نمی‌تواند تقدس و احترام خاصی نسبت به حضرت علی (ع) بین مسلمانان سنی ایجاد شده باشد. بنابراین به نظر می‌آید، نقش شیر را در دوران اسلامی قبل از صفوی، به طور قطع نتوان منسوب به نماد حضرت علی (ع) دانست.

.Seguy, M.R. (1977): p30_26

.Ibid, p30_27

۲۸- ریشه‌ی این نقش برگرفته از درختی افسانه‌ای است به نام واق واق (vaq-vaq) که میوه آن به شکل آدمی است. واق واق یا وقواق نام سرزمینی است که این درخت در آنجا می‌روید، در تصاویر باقیمانده از این درخت نیز سر حیوانات ترسیم شده و گاه با عنوان درخت گویا در برخی داستان‌ها، معرفی گردیده است. در دوره‌ی صفوی است که واق تبدیل به یکی از انواع نقاشی می‌شود؛ به طوری که، صادقی بیک افشار - نقاش دوره‌ی صفوی - در رساله‌ی «قانون الصور» خود در باب نقاشی، هفت نوع نقاشی این دوره را معرفی می‌کند که نقش واق نیز از آن جمله است.

۲۹- دایمند، ام. اس. (۱۳۷۹): ص ۳۰۶.

۳۰- برای نمونه در نقشی از یک قطعه پارچه‌ی ابریشمی صفوی تصویر ۱۳ نماد شیر به صورت‌های مختلفی ارائه گردیده که می‌توان در آن سر شیر درون تزئین گیاهی را به عنوان نماد مهری خورشید و یا طراحی وام گرفته از نقش واق و جدال شیر با پرنده را نماد سلطه و قدرت و تصویر چهار سر شیر را به مثابه‌ی حکمرانان مناطق چهارگانه‌ی زمین (Lechler, G. (۱۹۶۸): p۳۸۹) و یا به عنوان نگهبان و محافظ تلقی کرد. از این رو وجود چند معنای نمادین برای یک نقش در این یک قطعه پارچه کمک به تأیید این فرضیه می‌کند.

منابع تصاویر

- تناولی، پ. (۲۵۳۷): قالیچه‌های شیری فارسی، بنیاد شهربانو و سازمان جشن هنر، تهران.

- کاتالوگ نمایشگاه گزیده‌ای از آثار زرین و سیمین (۱۳۸۳): موزه‌ی ملی ایران، تهران.

- Ghirshman, Roman Perse: proto - Iraniens, Medes, Achemenides, Gallimard, Paris, 1963.

- Gray, Basil and Godard Andre Persian Miniatures, Imperial library, New York 1956.

- Pope, Arthur Upham A Survey of Persian Art, vols. 9, 10, 11, Soroush, Tehran, 1977.

- Schroeder, Eric Persian Miniatures, Harvard University Press, Cambridge, 1994.

- Seguy, Marie-Rose The Miraculous Journey of Mahomet (Miraj nameh), the Scholar Press, London, 1977.

- Spuhler, Friedrich Carpets and Textiles: the Thyssen - Bornemisza Collection, Philip Wilson Ltd, London, 1977.

فهرست منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد. قالیچه‌های شیری فارس، تناولی، پرویز، ت: پرهام، سیروس، تهران: بنیاد شهربانو و سازمان جشن هنر، ۲۵۳۷
- بهار، مهرداد. از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده: اسماعیل پور، ابوالقاسم، تهران: چشمه ۱۳۷۶.
- بهرامی، ایرج. اسطوره‌ی اهل حق، تهران: نشر آتیه، ۱۳۷۸.
- تناولی، پرویز. قالیچه‌های شیری فارس، تهران: بنیاد شهربانو و سازمان جشن هنر، ۲۵۳۷.
- دایمند، ام. اس. «یافته‌ها و فرش‌های عصر صفوی»، اوج‌های درخشان هنر ایران، ویراستاران: اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان، ت: عبداللهی، هرمز و پاکباز، روئین، تهران: آگاه، ۱۳۷۹.
- دمیری، کمال‌الدین محمد بن موسی. خواص الحیوان، دکه عبدالحسین عباس فریدنی الاصفهانی، چاپ سنگی، تبریز.
- رضی، هاشم. ۱۳۷۵ق. آیین مهر: تاریخ آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب، تهران: بهجت، ۱۳۸۱.
- قائم مقامی، جهانگیر. شیر و نقش آن در معتقدات آریایی‌ها، مجله‌ی بررسی‌های تاریخی، سال ۱، شماره‌ی ۳، آبان ۱۳۴۵، صص ۹۱-۱۴۲.
- کومن، فرانتس والری ماری. آیین پر رمز و راز میتراپی، ت: رضی، هاشم. تهران: بهجت، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ورمازرن، مارتین. آیین میترا، ت: نادر زاد، بزرگ، تهران: چشمه، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- هینتز، جان راسل. اساطیر ایران، ت: فرخی، با جلان، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
- یاحقی، محمد جعفر. اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی و سروش، ۱۳۶۹.

- Bakhtiar, Laleh Sufi: Expressions of the Mystic Quest, thames and Hudson, London 1976.

- Bayley, Harold The Lost Language of Symbolism, Rowman and Littlefield, Seventh impressions, New Jersey, 1974.

- Beryl, Rowland: Animal with Human Faces, George Allen and Unwin Ltd., London, 1973.

- Bruce - Mitford, Miranda The Illustrated Book of Signs and Symbols, Dorling Kindersley Limited, London, 1996.

- Lechler, George: "The Tree of Life in Indo - European and Islamic Cultures", Ars Islamica, vol, 4, Ann Arbor, university of Michigan Press, New York, 1968.

- Olderr, Steven Symbolism: A Comprehensive Dictionary, McFarland and Company Inc., London, 1986.

- Seguy, Marie - Rose The Miraculous Journey of Mahomet (Miraj nameh). The Scholar Press, London, 1977.